

اهداف سفر رئیس‌جمهور چین به مصر از کانال سوئز تا همکاری نظامی رادربر می‌گیرد؛

پیام چندلایه شی از قاهره



رامین پرتو

سفر شی چین‌پینگ، رئیس‌جمهور ی چین، به قاهره پس از یک دهه، اگر چه با هفتادمین سالگرد روابط دیپلماتیک دو کشور هم‌زمان شده، اما زمان‌بندی آن اهمیت فراثری دارد. این سفر در شرایطی انجام می‌شود که خاورمیانه با جنگ و تنش میان ایران و آمریکا، ناامنی در مسیرهای انرژی و تجارت و بازنگری کشورهای منطقه در میزان اتکای خود به واشنگتن روبه‌روست. بنابراین حضور شی در قاهره را باید بخشی از تلاش پکن

برای تثبیت جایگاه خود در معماری در حال تغییر منطقه دانست.

مصر برای چین انتخابی عادی نیست. قاهره بر کانال سوئز، یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجارت جهان، تسلط دارد و در نقطه اتصال آسیا، آفریقا و اروپا قرار گرفته‌است. این کشور با اسرائیل، سودان و لیبی هم‌مرز است و با قدرت‌های مختلف روابط گسترده‌ای دارد. از نگاه پکن، چنین موقعیتی مصر را از یک بازار بزرگ مصرفی فراتی می‌برد و به حلقه‌ای برای اتصال سرمایه، تولید، حمل‌ونقل و تجارت چین با سه منطقه مهم جهان تبدیل می‌کند.

سفر شی؛ اقتصاد، امنیت و باز تعریف حضور چین

نکته مهم این است که روابط اقتصادی دو کشور طی سال‌های گذشته رشد چشمگیری داشته؛ به گونه‌ای که چین بزرگ‌ترین شریک تجاری مصر در کالاهای غیر نفتی محسوب می‌شود و تجارت دوجانبه تا پایان ۲۰۲۵ به حدود ۲۰۷ میلیارد دلار رسیده است. در منطقه اقتصادی کانال سوئز نیز حدود ۲۰۰ شرکت فعالیت دارند و سرمایه‌گذاری‌ها از ۳۸ میلیارد دلار فراتر رفته است. آغاز مرحله سوم توسعه این منطقه با تمرکز بر انرژی‌های تجدیدپذیر، خودرو، نساجی و صنایع

قاهره بر کانال سوئز، یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجارت جهان، تسلط دارد و در نقطه اتصال آسیا، آفریقا و اروپا قرار گرفته و از سوی دیگر این کشور با اسرائیل، سودان و لیبی هم‌مرز است. از نگاه پکن، چنین موقعیتی مصر را از یک بازار بزرگ مصرفی فراتی می‌برد و به حلقه‌ای برای اتصال سرمایه، تولید، حمل‌ونقل و تجارت چین با سه منطقه مهم جهان تبدیل می‌کند

خبر

مدودف، آلمان را به حمله مستقیم تهدید کرد



کرد: «آلمان سزاوار این است که به تمام تأسیسات تولیدات نظامی آنها که به گروهک باندرا احکامان کی‌یف] کمک می‌رسانند و چه بسا به برخی مواضع در برلین حمله‌مستقیم‌شود». معاون شورای امنیت روسیه در بخش دیگری از این پیام، به اظهارات تهدیدآمیز اخیر مقام‌های اوکراینی علیه هواپیمایی غیرنظامی در آسمان روسیه اشاره کرد و گفت: «و در مورد تهدیدهای دلقک دیوانه علیه هواپیمایی غیرنظامی در آسمان روسیه. رئیس دولت پیشتر این اظهارات را اعلام رسمی تروریسم دولتی از سوی رژیم باندرای اوکراین دانسته است. کسی با تروریست‌ها مذاکره نمی‌کند؛ بلکه

دیمیتری مدودف، نائب رئیس شورای امنیت روسیه و رئیس‌جمهور پیشین روسیه در پیامی که در کانال تلگرامی خود منتشر کرد، اتهام‌زنی آلمان مبنی بر دست داشتن مسکودر حمله به فرودگاه لایپزیگ را «ساختگی» خواند اما در عین حال برلین را شایسته برخورد قاطع دانست. مدودف در این پیام نوشت: «برلین، روسیه را به حمله‌ای اثبات‌نشده به فرودگاه لایپزیگ متهم کرده است. با توجه به موضع نئونازی و به‌شدت روس‌ستیزانه رهبران کنونی آلمان، این اقدام خرابکارانه ساختگی، به منزله ملایم‌ترین شکل مجازات برای خطاهای آن‌هاست». وی در ادامه تصریح

استقرار نیروهای دانمارکی در گرینلند همزمان با فشار آمریکا



امنیت ملی، کپنهاگ را به بی‌توجهی به دفاع از قطب شمال متهم کرده است. دانمارک و گرینلند این ایده را قاطعانه رد کرده‌اند. سربازان وظیفه اعزام‌شده بخشی از نخست‌تین گروه مشمولان برنامه جدید خدمت وظیفه طولانی‌تر دانمارک هستند. هدف این برنامه، تربیت نیروهایی است که بتوانند در یکی از مهم‌ترین و در عین حال دشوارترین مناطق راهبردی پادشاهی دانمارک

برای نخستین بار در سال‌های اخیر، سربازان وظیفه دانمارکی در گرینلند مستقر شده‌اند؛ اقدامی که همزمان با تلاش کپنهاگ برای تقویت حضور خود در قطب شمال و افزایش فشارهای آمریکا بر این کشور انجام می‌شود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با درخواستار تصاحب گرینلند، جزیره نهمه‌خودمختار تحت حاکمیت دانمارک شده و بااستناد به نگرانی‌های

اقتصادی و ژئوپلیتیکی چین نیز دانست. از منظر دیگر بحران هرمز به پکن یادآوری می‌کند که امنیت انرژی و امنیت کریدورهای تجاری، دیگر موضوعی صرفاً اقتصادی نیست و ابعاد راهبردی دارد.

بعد امنیتی سفر نیز مهم است. برگراری رزمایش مشترک «عقاب‌های تمدن ۲۰۲۶» و حضور جنگنده‌های جی ۱۶ چین در مصر، همراه با جنگنده‌های رافال، نشان می‌دهد همکاری نظامی دو کشور از سطح نمادین فراتر رفته است. گزارش‌های منتشرشده درباره حضور هواپیماهای سوخت‌رسان، هشدار زودهنگام و تجهیزات جنگ الکترونیک، برای ناظران منطقه‌ای نشانه افزایش توان چین برای استقرار نیرو در فاصله‌های دور است.

استقبال محتاطانه از شریک جدید!

کشورهای عربی خاورمیانه احتمالاً سفر شی را بیش از آنکه به معنای انتخاب چین به جای آمریکادانند، نشانه روند شتاب‌گرفته تنوع‌بخشی راهبردی ارزیابی می‌کنند. عربستان سعودی، امارات، قطر و دیگر کشورهای منطقه روابط اقتصادی و فناوری خود را با چین گسترش داده‌اند، در حالی که هم‌زمان مناسبات امنیتی با واشنگتن را حفظ کرده‌اند.

تجربه جنگ‌ها و بحران‌های اخیر، نگرانی درباره میزان تعهد آمریکا به امنیت منطقه را افزایش داده و انگیزه دولت‌های عربی برای ایجاد گزیننه‌های بیشتر را تقویت کرده است.

از این منظر، مصر می‌تواند الگویی برای سیاست «توازن راهبردی» باشد؛ یعنی حفظ همکاری با آمریکا بدون چشم‌پوشی از توسعه روابط با چین، روسیه و اروپا. کشورهای عربی احتمالاً از افزایش حضور اقتصادی چین استقبال می‌کنند، زیرا سرمایه‌گذاری پکن در زیرساخت، انرژی، فناوری و حمل‌ونقل می‌تواند فرصت‌های جدیدی ایجاد

و

از منظر اسرائیل، مصر همچنان باز یگری کلیدی است و تغییر روابط نظامی آن می‌تواند پیامد منطقه‌ای داشته باشد اما با این حال، نباید این تحولات را به معنای شکل‌گیری اتحاد نظامی چین و مصر علیه اسرائیل تفسیر کرد، چرا که قاهره همچنان منافع مستقیمی در حفظ رابطه با واشنگتن و ثبات مرز با اسرائیل دارد. نگرانی اسرائیل بیشتر از احتمال تغییر تدریجی محیط راهبردی پیرامون آن ناشی می‌شود

خبر

تهدید گوتزش به ارجاع اسرائیل به دیوان بین‌المللی دادگستری



روزنامه عبری «اسرائیل هیوم» امروز چهارشنبه نوشت، آنتونیو گوتزش، دبیر کل سازمان ملل تهدید کرده است که اسرائیل را به دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه خواهد کشاند. این تهدید گوتزش در واکنش به اقدامات اسرائیل علیه تأسیسات متعلق به آژانس امدادرسانی و کارپایی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی (آنروا) در قدس اشغالی مطرح شد. گوتزش در نامه‌ای خطاب به بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر اسرائیل، نگرانی عمیق خود را از حمله نیروهای اسرائیلی به ساختمان آنروا در موسسه آموزشی قلندیا در شمال قدس اشغالی ابراز و

کند. حمایت چین از راهکار دو دولتی در مسئله فلسطین و تأکید بر حل‌وفصل دیپلماتیک بحران‌ها نیز با بخشی از رویکرد سیاسی کشورهای عربی همخوانی دارد.

همچنین اهمیت مصر برای پایتخت‌های عربی نیز افزایش می‌یابد. قاهره هم در پرونده فلسطین و غزه نقش مهمی دارد، هم بر کانال سوئز کنترل دارد و هم در آفریقا جایگاهی ویژه دارد. اگر همکاری چین و مصر از منطقه صنعتی سوئز به فناوری، تولید و صادرات گسترش یابد، این مدل می‌تواند برای دیگر کشورهای عربی جذاب باشد.

اسرائیل و آمریکا؛ نگرانی از تغییر موازنه
در اسرائیل، حساسیت نسبت به سفر شی عمدتاً از بعد نظامی و راهبردی ناشی می‌شود. حضور جنگنده‌های جی ۱۶ و تجهیزات پشتیبانی چینی در رزمایش مصر، به‌ویژه نزدیکی جغرافیایی این فعالیت‌ها به اسرائیل، این نگرانی را ایجاد کرده که همکاری قاهره و پکن به سطحی برسد که بر آزادی عمل نیروی هوایی اسرائیل اثر بگذارد. از منظر اسرائیل، مصر همچنان بازیگری کلیدی است و تغییر روابط نظامی آن می‌تواند پیامد منطقه‌ای داشته باشد. با این حال، نباید این تحولات را به معنای شکل‌گیری اتحاد نظامی چین و مصر علیه اسرائیل تفسیر کرد. قاهره همچنان منافع مستقیمی در حفظ رابطه با واشنگتن و ثبات مرز با اسرائیل دارد. نگرانی اسرائیل بیشتر از احتمال تغییر تدریجی محیط راهبردی پیرامون آن ناشی می‌شود.

واشنگتن نیز سفر شی را از زاویه‌ای متفاوت اما مرتبط دنبال می‌کند. مصر از متحدان مهم آمریکا و دریافت‌کننده کمک نظامی این کشور است، اما هم‌زمان در سال‌های اخیر روابط خود با چین را در حوزه‌های اقتصادی، فناوری و نظامی گسترش داده است. برای آمریکا، مسئله اصلی این نیست که مصر فوراً از دروازه واشنگتن خارج شود؛ بلکه نگرانی از آن است که نفوذ چین در زیرساخت‌های حیاتی، فناوری، بنادر، ارتباطات و صنایع دفاعی مصر به اندازه‌ای افزایش یابد که در بلندمدت اهرم‌های نفوذ آمریکا را کاهش دهد.

در نهایت، اهمیت اصلی سفر شی در این است که قاهره می‌تواند یکی از نقاط اتصال سه روند بزرگ باشد: رقابت قدرت‌های بزرگ، بازآرایی زنجیره‌های تأمین و تغییر معماری امنیتی خاورمیانه. مصر تلاش می‌کند میان آمریکا، چین، روسیه و اروپا توازن ایجاد کند و چین نیز می‌تواند با یک شریک تجاری به سرمایه‌گذار، تولیدکننده فناوری و بازیگر مؤثرتر منطقه‌ای تبدیل شود. اگر این دو هدف به هم نزدیک شوند، سفر شی می‌تواند آغاز مرحله‌ای باشد که در آن کانال سوئز تنها یک مسیر عبور کالا نیست، بلکه بخشی از شبکه تولید، فناوری و نفوذ چین در خاورمیانه و آفریقا خواهد بود.

جهان نما

گمانه‌زنی در مورد بازگشت آمریکابه کابل؛ پترائوس: خروج کامل ائتلاف از افغانستان اشتباه بود

دیوید پترائوس، که فرماندهی نیروهای ناتو و آمریکا در افغانستان را بر سر عهده داشت و به عنوان فرمانده سنتکام و رئیس سازمان سیا نیز خدمت کرده است، روز سه‌شنبه(دیروز) طی یک سخنرانی در مجلس اعیان انگلیس گفت که در زمان خروج نیروهای آمریکا و متحدانش از افغانستان، ضرورتی برای این کار وجود نداشت و استدلال کرد که تعهد نظامی غرب به سطحی پایدار رسیده بود و از دست رفتن پشتیبانی ائتلاف باعث تضعیف بیشتر نیروهای افغان شد.

ویگه خبری یوکی دیفنس ژورنال گزارش داد که پترائوس این استدلال را که طولانی شدن خود درگیری به معنای پایان یافتن حضور نظامی است، رد کرد و گفت مسئله مرتبط این است که آیا هزینه‌های انسانی و مالی ادامه‌دار هنوز با منافع درگیر در این موضوع تناسب دارد یا خیر.

او گفت: «من معتقدم مجبور نبودیم در آن زمانی خاص خارج شویم. همچنین معتقدم نباید چنین می‌کردیم». پترائوس تصریح کرد: «سئال‌ها با این استدلال که روزبه‌روز رایج‌تر می‌شد که ما به سادگی باید به «جنگ‌های بی‌پایان» پایان دهیم، مخالف بودم. این عبارت، سؤال اشتباهی را مطرح می‌کند. مسئله این نیست که یک درگیری چقدر طول کشیده است. مسئله این است که آیا تعهد لازم برای ادامه آن، هنوز با منافعی که حافظت می‌شوند و هزینه‌هایی که متحمل می‌شویم، تناسب دارد یا خیر.»



فرمانده پیشین سنتکام افغانستان را با بیتنام مقایسه کرد که به گفته او از نظر تلفات جانی و هزینه‌های مالی غیر قابل تحمل شده بود. باور او، افغانستان تا سال ۲۰۲۰ به سطح نسبتاً معدلی از حضور نظامی غربی‌ها رسیده بود. پترائوس گفت: «بدیهی است که ما باید به جنگ‌هایی که تاب‌آورنی نیستند پایان دهیم. اما تاب‌آوری به معنای عودت با میزان خون و ثروتی که هزینه می‌شود سنجیده شود. ویتنام، بر اساس این معیار، به وضوح غیر قابل تحمل شد. در مقابل، تلاش در افغانستان تا سال ۲۰۲۰ در سطحی نسبتاً معتدل پایدار شده بود.»

او به باقی ماندن حدود ۲ هزار و ۵۰۰ سرباز آمریکایی و ۸ هزار و ۵۰۰ نفر از نیروهای ائتلاف تا زمان خروج نهایی اشاره کرد و گفت که نیروهای غربی دیگر درگیر نبرد خط مقدم نبودند. به گفت پترائوس، نقش اصلی آن‌ها مشاوره و کمک به نیروهای افغان و ارائه قابلیت‌هایی بود که آن نیروها هنوز نتوانستند خودشان تأمین کنند.

رئیس پیشین سیا همچنین از شرط آزادی زندانیان طالبان توسط دولت افغانستان در جریان فرآیند منتهی به خروج نیروها انتقاد کرد. او گفت: «همچنین نباید از دولت افغانستان می‌خواستیم که صرفاً برای آن که با دشمن خود توافقی انجام دهیم که تأییدکننده خواسته او از ما- یعنی خروج- حدود ۵ هزار و ۵۰۰ زندانی طالبان را آزاد کند.» او درباره پیامدهای اصلی خروج نیروهای ناتو گفت: «پیامدهای خروج باید قابل پیش‌بینی می‌بود. این خروج نه تنها شامل نیروهای آمریکایی و ائتلاف بود، بلکه بیش از ۱۵ هزار پیمانکار غربی را در بر می‌گرفت که برای نگهداری هواپیماها و بالگردهای پیشرفته‌ای که مادر اختیارت نیروهای افغان قرار داده بودیم، ضروری و غیر قابل جایگزین بودند.»

پترائوس گفت: «باز ببین رفتن آن ظرفیت نگهداری، تحرک پذیری که حدود ۳۵ هزار کماندوی بسیار توانمند افغان برای پاسخ به حملات در سراسر کشور به آن وابسته بودند نیز از بین رفت.»

به نوشته این رسانه، پترائوس در بخش دیگری از این سخنرانی با گفتن این که برتری در فناوری به تنهایی نمی‌تواند مزیت نظامی پایدار ایجاد کند، استدلال کرد که نهادهای دفاعی ایالات متحده به اندازه کافی سریع تغییر نمی‌کنند تا بتوانند از فناوری‌های در حال توسعه بهره‌برداری کنند.

او گفت: «ایالات متحده با چالشی تا حدودی متفاوت روبه‌روست. اکوسیستم نوآوری ما همچنان پویاترین اکوسیستم در جهان است. پیشرفت‌ها در زمینه هوش مصنوعی، نرم‌افزار، سامانه‌های خودکار، تولیدات پیشرفته و سایر فناوری‌های نوظهور با سرعتی فوق‌العاده ادامه دارند.»

پترائوس افزود: «بنابراین چالش ما عمدتاً چالش نوآوری در فناوری نیست. چالش ما این است که نهادهای نظامی خود را به اندازه کافی سریع متحول کنیم تا بتوانیم از آن نوآوری بهره ببریم.»

او به همتایان خود گفت که ایالات متحده در حال حاضر سرمایه‌گذاری سنگینی روی قابلیت‌های نظامی نوظهور انجام می‌دهد اما استدلال کرد که خرید تجهیزات روزافزون پیشرفته بدون تغییرات متناظر در سازمان‌های نظامی کافی نخواهد بود.

طبق گزارش یوکی دیفنس ژورنال، فرمانده پیشین سنتکام درباره اهمیت به کار بستن الگوهای بهبود یادمندی‌های نظامی در اوکراین، استدلال کرد که ماهیت جنگ به اندازه‌ای سریع در حال تغییر است که به چیزی فراتر از فرماندهی نوسازی بر سوم نیاز دارد.

پترائوس گفت که تشخیص زودهنگام انگیس از تهدید روسیه و حمایت مداوم آن از اوکراین نشان‌دهنده «وضوح راهبردی» آن است و به این کشور حامی اوکراین فرصت آن را می‌دهد تا در شکل‌دهی دوباره نحوه سازمان‌دهی، آموزش و تجهیز نیروهای نظامی غربی پیشگام باشد.

او با توصیف اوکراین به عنوان «آزمایشگاه نظامی تعیین‌کننده قرن بیست‌ویکم»، استدلال کرد که اهمیت آن نه صرفاً در فناوری‌های منفرد، بلکه در نحوه ترکیب حسگرها، نرم‌افزارها، سامانه‌های بدون سرنشین، جنگ الکترونیک، تسلیحات دقیق و انطباق صنعتی نهفته است.